

کلام جدید

ترم اول

مفاهیم معرفتی، بنیادی و مبنایی کلام جدید

جلسه پنجم: انتظارات بشر از دین – بخش دوم

مدرس: استاد احسان عبادی – پژوهش گر و مدرس مباحث کلام جدید

تایپ و ویراستاری: محمد جواد اسماعیلی

تاریخ شروع دوره: ۱۴۰۰/۰۱/۰۲

در جلسه سوم (انتظارات بشر از دین ۲) با موضوعات زیر آشنا خواهید

■ نظرات متکلمین اسلام در مورد تعریف دین

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَ
نَاصِرًا وَدَلِيلًا وَغِيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

السلام عليك يا مولانا يا صاحب العصر و الزمان، السلام عليك يا بقيه الله في ارضه.

خدایا ، در این لحظه و در تمام لحظات ، سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دیدبان ولیّات ، حضرت
حجّه بن الحسن ، که درودهای تو بر او و بر پدرانش باد ، باش، تا او را به صورتی که خوشایند اوست ، و همه از او
فرمانبری می نمایند ، ساکن زمین گردانیده ، و مدّت زمان طولانی در آن بهره مند سازی.

نظرات متکلمین اسلام در مورد تعریف دین

در بحث انتظارات بشر از دین بودیم که بحث مهمی است که در جامعه ما بسیار مغفول مانده است. عزیزانی که در
دانشگاه و حوزه هستند و رشته کلام می خوانند بدانند هیچ وقت به دروس حوزه و دانشگاه اکتفا نکنند، چون
دروس در حوزه و دانشگاه به نیت امتحان مطالعه می شود. به همین جهت بار آن چنان علمی در آن وجود ندارد.

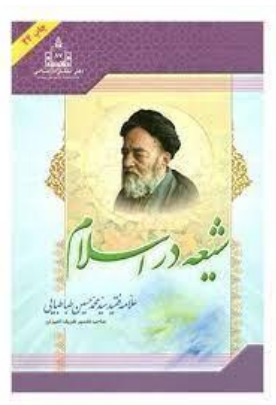
بحث انتظارات بشر از دین از مباحث روز جهان است. شما مثلا در نت سرچ کنید the men expections of
religions کتبی که کشورهای دیگر در این زمینه کار می کنند فراوان است و ما در این موضوع متاسفانه خیلی
کند هستیم. امثال افرادی مانند خسروپناه و آقای اعرافی استاد حوزه علمیه هستند که در این زمینه کارهایی
انجام دادند و کتب نوشتند.

ما تعریفاتی از دین مطرح کردیم و نمونه هایی از تعاریف دین از منظر غربی ها را با ایرادات و ضعف آن ها بررسی
کردیم. تعاریف دیگری هم وجود دارد که استاد خسروپناه نام آن را تعاریف ترکیبی گذاشتند. تعاریفی که مثلا
برخی می گویند دین یک اعتقادی به خدایی همیشه زنده است و اعتقادی به اراده و ذهنی الهی که حاکم بر جهان
است و با بشر مناسبات اخلاقی دارد. یک عده ای گفتند دین مجموعه ای از اعتقادات و نشانه هاست و تجربه های
دینی را شامل می شود، یا نهادی متشکل از تاثیر و تاثرات متقابل است. این نوع تعاریف مقداری کامل هستند ولی
هنوز نتوانستند آن بعد کامل انسان را در تعریف دین در خود جای دهند. مشکل این جاست. ما چیزی می خواهیم
که تمام ابعاد انسان و تمام ساحت دین را شامل شود. یک سری تعاریف دیگری هستند که به ویژگی خاصی نظر
داشتند ولی برخی از ادیان مانند اسلام و مسیحیت و یهودیت و ادیان غیرالهی مانند تائوئیسم و هندوئیسم و

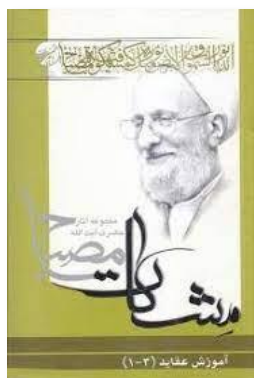
امثالهم نقش‌های بسیار متفاوتی را برای دین قائل شدند. برخی از آن‌ها راجب دین اعتقاد دارند که می‌گویند اعتقادات به موجودات فوق طبیعی، یا اعمال و مناسکی که به یک سری امور مقدس تکیه دارند.

اما باید نظرات متکلمین مسلمان را هم بدانیم:

علامه طباطبایی (ره) در کتاب شیعه در اسلام، صفحه ۳، می‌فرمایند: دین مجموع این اعتقادات به خدا و زندگی جاویدان و احساس و مقررات مناسب با آن است که در مسیر زندگی مورد عمل قرار می‌گیرد.



استاد آیت‌الله مصباح یزدی (ره) در کتاب آموزش عقاید، جلد ۱، صفحه ۲۸ می‌فرماید: دین اصطلاحاً به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید است.



آیت‌الله سبحانی در مجله نقد و نظر، شماره ۳، صفحه ۱۹ می‌فرماید: دین یک معرفت و نهضت همه جانبه به سوی تکامل است که چهار بعد دارد: اصلاح فکر و عقیده، پرورش اصول عالی اخلاقی انسان، حسن روابط افراد اجتماع و حذف هر گونه تبعیض‌های ناروا.

ایشان هم در تعریف خودشان هم مباحث اعتقادی و هم اخلاقی و هم اجتماعی را مطرح کردند.



آیت‌الله جوادی آملی در کتاب شریعت در آینه معرفت، صفحه ۹۳ می‌فرمایند: معنای اصطلاحی دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که در اداره امور جامعه انسان و پرورش انسان‌ها باشد. گاهی همه این مجموعه حق و گاهی همه آن باطل و زمانی مخلوط از حق و باطل است. اگر مجموعه آن حق باشد آن دین را دین حق گویند در غیر این صورت دین باطل گویند. دین حق دینی است که عقاید، قوانین و مقررات آن از طرف خدا نازل شده و در مقابل دین باطل دینی است که از ناحیه غیر خدا صادر شده است.

سیدمرتضی علم‌الهدی برادر سیدرضی نویسنده نهج‌البلاغه در کتاب الحدود و الحوائق، صفحه ۱۶۰ می‌فرماید: دین عبارت است از آن چه پیامبر به آن دعوت کرده است.

پیامبر به خدا، اخلاقیات، زندگی اجتماعی و ... دعوت کرده است.



برخی از معاصرین مانند عبدالکریم سروش در کتاب قبض و بسط تئوریک شریعت، صفحه ۸۰ و دیگر صفحات بین دین و شریعت خلط می‌کند و در یک دام بی‌ارزشی قرار می‌گیرد که دین را یک چیز عادی معرفی می‌کند. او می‌گوید: دین عبارت است از کتاب و سنت، دین ارکان و اصول و فروع ناظر بر نبی است. متون دینی و احوال و رفتار پیشوایان دینی، کتاب و سنت و تاریخ زندگی پیشوایان دینی است.

آقای سروش دین را بیشتر به یک سری مباحث اصول و فروع دین معنا کرده است. یعنی تعریف سروش ظاهر زیبایی دارد اما نباید فراموش کرد که این تعریف یک تعریفی است که دین را تنها در حیطه اعمال عبادی انجام

می‌دهد. این که تنها یک سری اعمال شخصی را انجام دهیم. یعنی اصلاً به هیچ عنوان بعد اجتماعی و اخلاقی برای دین قائل نیست. دینی که در جامعه کار کند و رفتار کند برای آن قائل نیست.



آقای خسروپناه بعد از این که نظرات گوناگون را ارائه داد حال نظر خودشان را می‌آورند. آقای خسروپناه می‌گوید حق مطلب این است که ما برای تعریف دین ابتدا باید هدف و غرض از آن را روشن کنیم. اگر در مباحثی مانند انتظارات بشر از دین رابطه دین و دنیا و قلمرو دین فقط به دنبال دین حداقلی

باشیم، یعنی اعتقاد به امر مقدس و حیات پس از مرگ و امثالهم، کافی است، و از طرف دیگر اگر بخواهیم دین را مطابق اسلام تعریف کنیم باید تعاریف دیگری هم داشته باشیم. با این توضیح مطلق دین را ایشان این‌طور تعریف می‌کنند که مجموعه حقایق و ارزش‌هایی را شامل می‌شود که از طریق وحی یا الهام یا هر طریق دیگری به ارمغان می‌رسد و هدایت و سعادت انسان را تأمین می‌کند. توضیح این که پاره‌ای از معارف از طریق عقل، حس و تجربه و نقل به دست می‌آید. علوم و معارفی مانند فلسفه، منطق، ریاضی، فیزیک و شیمی و امثالهم، مباحث حسی یا عقلی است یا حتی برخی روایی است و نقلی به دست می‌آید، اعم از این که در جهت هدایت و سعادت انسان باشد یا این که چنین هدفی را تأمین نکند. نقلی یعنی مفاهیمی که سینه به سینه نقل کردند و منظور روایات نیست اما دین حقایقی است که از طریق مباحثی مانند وحی صورت می‌گیرد و از طریق قطعی دیگری که قابل دسترس است. طریق قطعی ماند مباحث حس و عقل است اما حس و عقل کسی که معصوم باشد و گرنه من و شما ممکن است چیزی را تجربه و حس کنیم. آیا نظر ما هم همان نظر دین است؟ این جا باید کاملاً دقت کنیم. باید بحث را موازی نگاه کنیم که ببینیم دین کدام هدف را تأمین می‌کند. ما در مباحث دیگر می‌توانیم به حس و تجربه و عقل رجوع

کنیم که ممکن است برخی صحیح و برخی دیگر ناصحیح باشد، اما در دین ما راه درست را از وحی می‌گیریم و اگر هم از عقل باشد عقلی است که کامل منطبق بر دین باشد.

تعریف دقیقی که بر دین اسلام انطباق دارد این است که مجموعه‌ای از معارف، عقاید، احکام، اخلاق و در یک مجموعه هست‌ها و نیست‌ها و باید‌ها و نبایدها که خداوند برای هدایت بشر به وسیله منابع و ابزاری مانند کتاب و سنت و عقل نازل کرده است، خواه این معارف با عقل و تجربه ما تحصیل‌پذیر باشند یا خیر. یعنی ممکن است برخی چیزها را متوجه نشویم اما دستور خداست و باید انجام دهیم.

آقای خسروپناه می‌گوید اگر در مسئله انتظار بشر از دین مقصود از دین آن مرجعیت دینی یعنی خدا و رسول باشد انتظار بشر از مرجعیت دینی در حقیقت باید گفته شود، همان‌طور که مسئله انتظار دین از بشر معنا پیدا می‌کند. اگر مقصود از دین حقایق و دستاوردهایی باشد که از طریق وحی و سنت به دست ما رسید حالا پرسش انتظار بشر از دین معنادار می‌شود که ما چه انتظاراتی از این متونی که در دست ماست داریم. ما از قرآن چه انتظاراتی داریم. ما از روایات چه انتظاراتی داریم. آیا ما این انتظار را از قرآن داریم که مسائل ریاضی و فیزیک را حل کند؟ آیا ما این انتظارات را داریم که مثلاً تمام روایات ما تک تک مسائل پزشکی و تاریخی و جغرافیایی و مسائل روز و همه را حل کنند؟ آیا ما باید این انتظارات از دین را داشته باشیم؟ این‌ها بحث ماست. بحث ما روی این محورها می‌چرخد. حال که دین را شناختیم باید انتظارات از دین را بشناسیم که در جلسه بعد به طور مفصل بحث خواهیم کرد.